یادداشت روز

اربعین، حرکتی شتابان به‌سوی ظهور

راهپیمایی اربعین یکی از برجسته‌ترین پدیده‌های مذهبی، معنوی، تربیتی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی است. این راهپیمایی از یک‌طرف یک مفهوم بلند تاریخی ـ عاشورا ـ را به «مسئله روز» تبدیل می‌کند و از سوی دیگر یک مفهوم متعالی آرمانی ـ ظهور ـ را به جهان یادآور می‌شود. خط بین عاشورا و ظهور، «حرکت» است و اربعین این حرکت را به کامل‌ترین و زیباترین شکل بروز می‌دهد. از همین‌رو برای عاشورا و فقط عاشورا «اربعین» قرار داده شده است و این یک ابداع سیاسی مربوط به این دوران نیست. اولین اربعین تاریخ یعنی بیستم صفر سال ۶۱ هجری، با راهپیمایی دو صحابی گرانقدر پیامبراعظم صلوات الله علیه و آله و با دستورالعملی که اهل‌بیت پیامبر صلوات الله علیه تنظیم کرده بودند، انجام شده و پس از آن در همواره تاریخ با فراز و نشیب‌هایی انجام شده و دائماً بر دایره معنایی که اربعین تولید کرده و بر دایره زائرینی که به راه افتاده‌اند، افزوده گردیده است.

اربعین رودخانه گرم اتصال عاشـــورا به ظهور است و در متن خود دو مفهوم بعثت و غدیر را هم دارد. حقیقت این است که تقدیر شده تا هستی و حقیقت با «حسین» شناخته شود و می‌بینیم که هیچ اسمی به‌اندازه این اسم دل و دیده انسان را پر نمی‌کند.

هر کجا می‌نگرم نور رخش جلوه‌گر است
من ندانم که چه سری است که در خانه اوست!

حسین سِرّ خلقت است و اربعین کشف‌الاسرار عاشوراست. اربعین می‌خواهد بگوید مابین عاشورا و ظهور اسراری فاش می‌شوند تا انسان به کمالی برســـد که شایسته «حضور» شود. کدام فرد و جامعه انسانی شایستگی حضور دارد؟ آنان‌که آماده بذل جان باشند، برای چه؟ برای خود؟ نه برای آنکه بندگان خدا را از جهالت و ســـرگردانی برهانند. در چه شرایطی؟ در شرایطی که «همه» علیه آنها همداستان شده‌اند. این همه، چه کسانی هستند؟ آنان که دنیا آنان را فریب داد به‌گونه‌ای که بهره خویش که گران‌سنگ بود را به فرومایه‌ترین کالا و ارزان‌ترین بها فروختند و آخرت خویش را تباه کردند؛ آنان‌که به جای پیروی از امام حق، از «اهل شـــقاق» و «نفاق» و از آنان‌که از ارتکاب هیچ کبیره‌ای رویگردان نیستند، پیروی کردند. (ترجمه فقره دوم زیارت اربعین)

این خط فارق، اربعین است. اربعین فریاد بلندی است که می‌گوید «حادثه» تمام نشده اســـت. ای آنان که در روز عاشورا نبودید و این نبودنتان از نخواستن‌تان برنیامده است، نبوده‌اید که نبودید، هم‌اینک ماجرا همان است آنان که حسینی‌اند به راه افتند و خود را به میعادگاه برسانند و نشان دهند که از جان مایه می‌گذارند و راه افتند تا بندگان خدا در جهل‌گاه یزیدیان سرگردان نشوند. آیا نمی‌بینید نیزه‌داران و تیغ‌بازان و افسون‌گران و کتمان‌کنندگان و تهمت‌پراکنان و طعنه‌زنندگان در میدان تاخت و تاز می‌کنند و بر اهل حق می‌شورند و هر روز فتنه‌ای برمی‌افروزند؟ آیا نمی‌بینید در این دنیا، مکرآفرینان چگونه به سوی «اصغرها» تیغ می‌کشـــند و «رقیه‌ها» را ســـیلی می‌زنند و با هزاران نیرنگ توجیه می‌کنند؟ اربعین ۶۱ و اربعین ۱۴۴۵ از حیث مواجهه دو صحنه توفیری با یکدیگر ندارند، الا اینکه دنیاداران به وسایل بیشتری مجهز شـــده‌اند و دین‌داران با جبهه متراکم‌تری از منافق و مشرک و کافر مواجه هستند.

پس آنکه آن روز در قتلگاه خویش ندا برداشـــت که «هَلْ مِنْ ذابٍّ یَذُبُّ عَنْ حَرَمِ رَسُـــولِ اللهِ؟» نگاه به دین‌فروشان شامی و کوفی جنگٍ عاشورا نداشت که آنان غارتگران حرم رسول خدا بودند چه جای اینکه مدافعان حرم او باشند؟ پس این ندایی فرازمان و فرامکان بود و از این‌رو آنان که نبودند و آرزو می‌کنند کاش بودند، مخاطب این کلام سرخ‌اند و چه خوب در طول تاریخ، از عاشورا تا اکنون به این ندا پاسخ داده‌اند. تاریخ چه سیراب شده از خون کسانی که خود را مخاطب آن ندا دیده و با خون و زخم‌های جگرسوز، این ندا را دست به دست و نسل به نسل منتقل کرده‌اند و هنوز با یک علامت هزار در هزار به راه می‌افتند و اگر لازم باشد خود را به دل خطر می‌زنند. مگر نزدند؟ «مدافعان حرم» به افتادن خشتی از حرم امامین هادی و عسکری علیهماالسلام، سراسیمه دویدند و مزدوران اجیر را نابود کردند و همان‌ها به صدای نفیر گلوله‌ای در اطراف زینبیه دمشق، سربند «کُلّنا عَباسُکِ یا زینب» بستند و جان خود را فدیه خشتی از آستان او کردند. این‌ها اگر لبیک‌گوی آن ندای سرخ نبودند، به کدامین ندا از کوه‌های افغانستان و دشت‌های پاکستان و آبادی‌های ایران و بادیه‌های عراق و واحه‌های لبنان و شهرهای سوریه به سمت حرم‌های آل‌الله شتافتند و آنها را دربرگرفتند و گماشتگان خونریز دربارهای غربی، عربی و ترکی را تار و مار کردند؟

اربعین از این حیث فقط یک یادکرد نیســـت؛ فقط یک راهپیمایی سوگوارانه نیست؛ یک موج تمدنی است که در آن، هر چند دین‌داران و دنیاداران در دو ســـوی معرکه ایستاده‌اند، دین و دنیا بهم رسیده‌اند در اربعین دینداران به شتاب می‌روند تا دنیایی دیگر بسازند؛ دنیایی که لیاقت حضور داشته باشد. دنیا باید از دست دنیاداران خلاص شود و معنایی سراسر دینی پیدا کند. از این‌روست که در راهپیمایی اربعین هر نیاز دنیایی، نشان دینی دارد. خوردن و خوراندن در این دنیا، رنگ تجارت معمول ندارد؛ تجارتی معنوی است که در سوره صف «وَأُخْرَی تُحِبُّونَهَا» خوانده شده است. در این بازار، استراحت و سایه‌نشینی برای تن‌آسایی نیست، لختی درنگ برای حرکتی پرشتاب‌تر و بانشاط‌تر است. در این راه پیمودن، زخم و تاول هم هست؛ اما در هر قدم خدمت‌گزارانی به انتظار نشسته‌اند تا به مژگان التیام بخشند.

اربعین آمده، رنگ‌ها را به هم زده، زبان‌ها را یکی کرده، لهجه‌ها را درهم آمیخته اســـت. همه به یک رنگ و زبان و لهجه درآمده‌اند و آن «حسین» است. در این‌جا همه با «حسین» شناخته می‌شوند. بنابراین اربعین بزرگ‌ترین آوردگاه بشری اســـت. درست است در آن صدای چکاچک شمشیرها به گوش نمی‌رسد. دو صف نیست یک صف است و آن یک صف، صف حسینِ برای «نجات بشر» است؛ «لِیَسْتَنْقِذَ عِبَادَکَ مِنَ الْجَهَالَةِ وَ حَیْرَةِ الضَّلالَةِ». این خط ظهور است در وقت ظهور جبهه، جبهه حق است آن‌سان که باطل به چشم نیاید و در صحنه نماند.

راهپیمایی اربعین مگر غیر از این است؟ حرکت و سفر؛ برای بعضی عراقی‌ها زیارت اربعین دو ماه طول می‌کشـــد و کمتر زائری است که لااقل یک هفته در راه نباشد. طی طریق میلیون‌ها انسان بدون حادثه! آیا این جامعه اربعین، همان جامعه ظهور نیست؛ فعلاً در قطعه‌ای و فردا در همه قطعه‌ها؟! در زمانی که عراق جولانگاه گرگ‌های داعش بود، باز هم اربعین آرام بود. این یعنی صف اربعین یک صف اســـت، بلکه همه صف است و همه صحنه پر از اربعین است.

اربعین پس از عاشورا و ادامه آن است، اما ادامه جبهه حق. در عاشورا جبهه باطل هم بود، اما در اربعین دیگر حرف و سخن یکی و آن حرف و سخن جبهه حق است. دیگر از عربده‌کشی‌های شمر و صحنه‌آرایی‌های ابن‌سعد خبری نیست. همه میدان پر از حسین، زینب، سجاد، حبیب، زهیر، قاسم، عباس و علی‌اکبر است. این اربعین می‌خواهد تمدن عاشورا را که حسین به پایش جان داد، به وجود بیاورد؛ محور این تمدن «امام» اســـت، امامی که منتظر است و اربعین می‌خواهد جهان را پر از حضور امام منتظر بگرداند. این رمز شوق اربعین است. آنکه در اولین اربعین غسل کرد و فریاد «حبیبی حسین» سر داد و خود را بر آن قبر مطهر افکند و با آب دیدگان، آن را شست، مخزن‌الاسرار رسول خدا بود و آنچه کرد به عنایت کرد نه به ابتکار. کما اینکه در اشعاری که به ابی‌عبدالله الحسین علیه‌السلام منسوب است گفته شده، گریه‌ها را من به چشم شما و سوزها را من به سینه شما می‌آورم و فرمود «من کشته اشک‌هایم».

اربعین اتصال عزم حســـینی با هدف حسینی است. هدف که در کربلا محقق نشد، اربعین آن هدف را محقق می‌کند و جالب این است که عزم از امام است و تأمین هدف از امت است. اربعین از این رو اربعین است. هیچ‌گاه در تاریخ ننوشته‌اند که امامی جلودار جمعیت راهپیمایی اربعین شده است. اربعین امت را به امام می‌رساند، مبدأ حرکت اربعین، امام شهید و مقصد آن، امامی که ظهور خواهد کرد. اربعین میدان امت اســـت. در این راه حرکت عمومی لازم است. آنان‌که آماده نیستند هم باید حرکت کنند تا در حین حرکت آماده شوند. هیچ پیامبری قبل از ابلاغ رسالت، مأمور تربیت گروهی نشده، تربیت بعد از بعثت است نه پیش از آن و البته آنان که تربیت شده‌اند، بعثت‌پذیرترند. وضع ظهور هم همین است باید حرکت کرد، در فضایی اربعینی که دنیا را به دین رسانده و فاصله را برداشته است.

سعدالله زارعی

باخت سنگین صهیونیست‌ها با کشف بزرگ‌ترین خرابکاری در صنایع موشکی

کشف و خنثی‌سازی بزرگ‌ترین خرابکاری صنعتی موساد در صنایع موشـــکی به عنوان باخت سنگین صهیونیســـت‌ها موجبِ شـــد تا صهیونیســـت‌ها مجدداً مقابل ایران دچار یک شکست راهبردی شوند.

پنج‌شنبه گذشـــته بود که سازمان حفاظت اطلاعات وزارت دفاع اعلام کرد که توانسته طی طرحی پیچیده از خرابکاری صنعتی موساد در صنایع موشکی وزارت دفاع پیشگیری کند.

به گزارش فارس، به گفته یک مقام مسئول در حفاظت اطلاعات وزارت دفاع، رژیم صهیونیستی تا چندی قبل مطمئن بـــود که طرح خرابکاری صنعتی و انتقال قطعات معیوب به صنایع موشکی وزارت دفاع با موفقیت اجرا شـــده اســـت ولی پس از وارد شـــدن ضربه اخیر به شـــبکه خرابکاری فوق از عمق شکســـتی که در جریان این عملیات متحمل شده همچنان در شوک است.

ماجرای خرابکاری صنعتی در وزارت دفاع از کجا آغاز شد؟

ماجرای شروع این خرابکاری به سال ۱۳۹۳ باز می‌گردد که در جریان آن، یک جاســـوس (ج.الف) به ســـه نفر در اروپا و آسیا وصل می‌شـــود. در آن مقطع یکی از تیم‌های جاسوسی در صنایع دفاعی با هوشمندی سربازان گمنام امام زمان (عج) ضربه می‌خورد، همه اعضای آن بازداشت شده و اعتراف می‌کنند که دشمن به دنبال اطلاعاتی از کانکتورهاست.

کارشناسان حفاظت اطلاعات وزارت دفاع همه خریدها، ملاقات‌ها و قراردادها را زیر نظر گرفتند و روی سوژه (ج.الف) سوار شـــدند ولی (ج.الف) و موساد نمی‌دانست که همه طرح ریزی‌هایشان رصد می‌شود. جاســـوس تحت نظر در زمان‌بندی‌های مختلف، افراد مورد نظر دیگری را ملاقات و از بازار قطعات چند کشور اروپایی و آسیایی بازدید کرده بود و با کارخانجات متعدد نیز وارد مذاکره شد. به آنها دستور داده شده تا شرکتی در خارج از کشور تاسیس و به ایران اعلام کنند که این شرکت برای دور زدن تحریم‌هاســـت و بگوید که قطعات باید از طریق این شرکت از چند کشور تهیه شود تا به اصطلاح تحریم را دور بزنند.

چهار ســـال بعد روی این پروژه کار کردند تا در ســـال ۹۷، هـــزاران کانکتور ۳۲ پین و ۱۰ پین جنگی با شـــیوه‌های مختلف وارد شـــد که در صنعت هوافضا کارایی بسیاری دارند. این قطعات طوری آلوده شـــده بودند که در زمان‌بندی‌های مشخص منفجر شـــده و ارتباط کابل‌ها و مدارهـــای داخل موشـــک را قطع کند و در ایـــن صورت موشـــک دچار اختلال شدید می‌شد.

روایت کشف توطئه صهیونیست‌ها برای خرابکاری در صنایع موشکی

ســـردار ســـیدمهدی فرحی، جانشین وزیر دفاع و پشـــتیبانی نیروهای مسلح در گفت‌وگویـــی تلویزیونـــی جزئیاتی از کشـــف بزرگ‌ترین خرابـــکاری صنعتی ایران در صنایع موشکی که توسط موساد برنامه‌ریزی و اجرا شده بود را تشریح کرد.

وی گفت: بـــه لطف خداوند و همت بلند جوانان کشـــورمان هر روز در عرصه دفاعی و تولید قدرت در عرصه محصولات و فناوری‌های جدید دستاوردهای خوبی به دســـت می‌آوریم. جانشین وزیر دفاع و پشـــتیبانی نیروهای مسلح افزود: در این راستا، وابســـتگی‌ها به حداقل می‌رسد و نـــوآوری به معنای واقعـــی خود در حال توسعه است. همچنین، محصولات جدید، بی‌نظیر و اثربخش نیز تولید می‌شود.

توطئه‌های مختلف صهیونیست‌ها برای ضربه زدن به قدرت موشکی ایران

ســـردار فرحی با اشـــاره به قدرت و اقتدار ایران در حوزه دفاعی، تصریح کرد: دشمن صهیونیستی به اندازه پیشرفت‌ها و توانایی‌های ما به هر حربه و کاری متوسل می‌شـــود تا بتواند در صنایـــع دفاعی ما خرابکاری کند.

جانشـــین وزیـــر دفـــاع در ادامه با بیان اینکه صنعت موشـــکی یک صنعت اقتدارآفرین است که از مؤلفه‌های گسترده تشکیل شده است، افزود: در این صنعت بیش از چند هزار فناوری به‌کار گرفته شده، روابط سیستمی بسیار گسترده‌ای بر آن حاکم اســـت و عملکرد آن باید فوق‌العاده دقیق باشـــد هم در عملکـــرد حرکتی و هم عملکرد نهایـــی آن. وی، گفت: ما در خصوص مسائل اساسی موشک‌ها مشکلی نداریم اما درباره برخی مسائل کوچک مانند کانکتور این مشکل وجود دارد. اگر بخواهیم کانکتور را در اندازه یک موشک رتبه‌بندی کنیم، این قطعه رتبه آخر یا جزو آخرین‌ها محســـوب می‌شـــود. کانکتور مانند یک سیستم عصبی و یا سلسله اعصاب موشک اســـت که در همه جای موشـــک توزیع شده است، کابل‌کشی و اتصالات موجود در موشک همه با کانکتور انجام می‌شود.

موساد چگونه می‌خواست موشک‌های ایران را از کار بیندازد؟

ســـردار فرحی در تشـــریح کشـــف بزرگ‌ترین خرابکاری در صنایع موشکی ایران، خاطرنشان کرد: اگر سر این کانکتور یک مدار الکترونیکی انفجاری و غیر قابل شناسایی قرار دهند که در زمان مشخص و تاریخ معلوم که از قبل روی آن برنامه‌ریزی شده تا به طور مثال، دو ماه و ۱۰ روز دیگر منفجر شود، کسی این موضوع را تا زمان برنامه‌ریزی شده متوجه نمی‌شود.

وی ادامه داد: کســـی این موضوع را متوجه نمی‌شود و تا زمان مدنظر دشمن، موشک‌ها بسته‌بندی، مونتاژ و مرتب شده و همچنین، تست‌های مختلف بر روی آن انجام می‌شـــود و سپس بسته‌بندی شده و در انبـــار قرار می‌گیرد. در این راســـتا، موشک‌های مذکور در کنار شهرهای بزرگ موشکی ما و انبوه موشک‌هایی که برای روز مبادا تامین شـــده، قرار می‌گیرند و خیال نیرو و دســـت‌اندرکاران این حوزه راحت اســـت که چنین امکانی در اختیار داریم. غافل از اینکه این کانکتور معیوب در زمان مقرر قرار است منفجر شود که چند پین موجود در کانکتور را از کار بیندازد و یا آن را به همدیگر وصل کنند.

چرا توطئه موساد بزرگ‌ترین خرابکاری صنعتی ایران نامیده شد؟

جانشین وزیر دفاع، نتیجه خرابکاری در کانکتورها توسط دشمن را ایجاد مشکل و مختل‌شـــدن در بسیاری از موشک‌های راهبردی ایران دانســـت و تاکید کرد: این اتفاق موجب می‌شـــد تا تعداد بسیاری از محصولات ما دچار مشکل شده و عملاً در بزنگاه‌های مورد نیاز کاربرد نداشته باشد.

ســـردار فرحی در تشـــریح چرایی نامگذاری خرابکاری صهیونیست‌ها علیه صنایع موشـــکی کشـــورمان بـــه عنوان بزرگ‌تریـــن خرابکاری صنعتـــی ایران، افزود: این خرابکاری به قدری بزرگ است که می‌تواند یک قابلیت راهبردی کشـــور را زیر ســـؤال ببرد. وی در تشـــریح سایر جزئیات توطئه صهیونیستی علیه صنایع موشـــکی ایران، گفت: عوامل پشت پرده این خرابکاری صنعتی در صنایع موشکی یک آزمایشگاه ایجاد کردند که در آن ابزار انفجاری را تولید می‌کنند یعنی عملاً یک تیم مرکزی وجود دارد که آزمایشگاه دارد و تولیدکننده وســـایل انفجاری آن است. البته مســـئول اصلی این خرابکاری رژیم صهیونیستی است.

افزایش حساسیت در حوزه صیانت از صنایع دفاعی پس از کشف توطئه موساد

جانشین وزیر دفاع با اشاره به افزایش لفاظی رژیم صهیونیستی علیه توانمندی دفاعی، خاطرنشان کرد: به همین دلیل، رژیم صهیونیســـتی چنـــد وقتی بود که اظهارات بزرگ‌تر از قد و قواره خود مطرح می‌کرد چون احســـاس می‌کرد که ابزار اقتدار ما از بین رفته و ما متوجه آن نیستیم. وی از افزایـــش اقدامات حفاظتی در صنایع دفاعی خبر داد و افزود: اصلاحات ۱۰۰ درصدی در این حوزه انجام شـــد و حساسیت‌ها در بحث صیانت بسیار توسعه پیدا کرد. یعنی اگر قبلاً برخی موارد را دو مرتبه چک می‌کردیم اکنون این به چهار مرتبه رسیده است.

سردار فرحی گفت: اگر این خرابکاری بـــه عنوان یک قطعـــه کوچک کم ارزش مکانیکی کشـــف و پیدا نمی‌شـــد، همه موشـــک‌های ما از چرخه عملیاتی خارج می‌شدند. وی با اشاره به واکنش مقامات صهیونیســـتی در خصوص کشف توطئه علیه صنایع موشـــکی، افـــزود: واقعا یک نگرانی بزرگ در دشـــمن ایجاد شده هم به خاطر تزلزل داخلی خود هم به خاطر اقتدار داخلی ما.

حربه صهیونیست‌ها برای ورود کانکتورهای معیوب به صنعت موشکی

جانشین وزیر دفاع با بیان اینکه شاید هزینه این مدار الکترونیکی انفجاری بیش از ۲۰ برابر یک کانکتور اســـت، گفت: اگر هزینه یک کانکتور ۱۰ دلار باشد هزینه این مدار الکترونیکی انفجاری ۲۰۰ دلار است اما آنها این کانکتور را با هزینه کمتر از ۱۰ دلار نیز به ما می‌فروختند تا انگیزه تامین از این طریق ایجاد شود.

وی همچنین از بومی‌سازی تجهیزات مورد نیـــاز در عرصه دفاعـــی خبرداد و خاطرنشـــان کـــرد: ما در حرکـــت رو به جلوی خـــود، عرصه‌های جدیدی را فتح می‌کنیـــم و در این راســـتا، محصولات و فناوری‌هـــای جدیدی تولید می‌شـــود و بلافاصله بومی‌سازی با همکاری شرکت‌های دانش‌بنیان در این فرآیند آغاز می‌شود.

باخت بزرگ راهبردی دشمن با کشف توطئه صنعتی

سردار فرحی گفت: همکاری وزارت دفاع با شـــرکت‌های دانش‌بنیان امروز از ۹ هزار شـــرکت عبور کرده است. البته ما امروز با بیش از ۲ هزار شرکت دانش‌بنیان همـــکاری راهبردی داریم. شـــرکت‌های دانش‌بنیان این قابلیـــت را دارند تا همه وابســـتگی‌های ما در عرصه مـــواد اولیه، قطعه، زیرمجموعه، محصول و فناوری را قطع کنند. مقام ارشـــد دفاعی کشورمان بیان کرد: دشـــمن احســـاس می‌کند که یک باخت بزرگ نصیب او شـــده چرا که به یک‌باره همه استراتژی که برای خود در افق آینده تدوین کرده بود به نقطه اول آن باز می‌گردد. جانشین وزیر دفاع خاطرنشان کرد: افزایش برد موشک‌های ما با فرمان رهبر معظم انقلاب محدود شـــده است. به همین دلیل، ما در حال ارتقای ســـایر مولفه‌ها مانند کیفیت، کمیت، رادارگریزی، اثربخشی، دقت و نقطه‌زنی هستیم.

گفت و شنود

ماکارونی نخور!

گفـــت: روزنامه زنجیره‌ای ســـازندگی با حروف درشـــت تیتر زده اســـت «عقب افتادیم»! و تصویر سیاهی از آینده کشور ترسیم کرده است!

گفتم: شاید فراموش کرده که مدت‌هاست دولت‌های «سازندگی»! و «اصلاحات»! و «تدبیر و امید»! به تاریخ پیوسته‌اند و دیگر قرار نیست امکانات و ظرفیت‌های کشـــور را پای منافع حزبی و شخصی خود و نزدیکانشان قربانی کنند!

گفت: تمام دستاوردهای دولت رئیسی را که دولت‌های قبل عُرضه و توان انجام آن را نداشته‌اند، وارونه جلوه داده و مثلاً نوشته است در آینده مجبوریم به عمله و مستعمره کشورهای همسایه تبدیل شویم! گاز از ترکمنستان وارد کنیم! گندم از عربستان! و...

گفتم: اگر این‌گونه است چرا اربابان آمریکایی و صهیونیستی این جماعت علی‌رغم دشـــمنی‌های همه‌جانبه با ایران، از پیشرفت‌های گســـترده و معجزه‌گون دولت کنونی به حیرت افتاده و جرأت انکار ندارند؟

گفـــت: این جماعت اگر اهل خیانت نبودن که نتانیاهو آنها را بزرگ‌ترین سرمایه اسرائیل معرفی نمی‌کرد! وقتی چوب‌خط خیانتشان پُر شده و کاری از دستشان ساخته نیست مجبورند آرزوهای برباد رفته‌ای که علیه ایران اسلامی داشتند را به خبر تبدیل کنند!

گفتم: یارو که خیلی ماکارونی دوســـت داشـــت، خواب دید که دارد درازتریـــن ماکارونی دنیا را می‌خورد! از خواب که بیدار شـــد دید کِش شلوارش را به نیش کشیده و مشغول جویدن است!

وبگاه ایتالیایی:

حرکت نیروی هوایی ایران به سوی نوسازی شروع شده است

یـــک وبـــگاه نظامـــی در مطلبی نوشـــت: خرید جت‌های «یاک-۱۳۰» منطقی اســـت، زیرا مســـیر را برای به دست آوردن سخت‌افزارهای پیشرفته‌تر برای نوسازی نیروی هوایی ایران هموار می‌کند.

دســـتیابی نیروی هوایی ایران به جت‌های آموزشـــی «یاک -۱۳۰» در تیررس رســـانه‌ها و تحلیلگـــران امور نظامی قـــرار گرفته و این رویداد را به نشـــانه حرکت نیروی هوایی ایران به سوی نوسازی برشمردند.

وبگاه ایتالیایی «اوییشنیســـت» روز یک‌شـــنبه نوشـــت؛ تصاویر اولین هواپیمـــای «یـــاک-۱۳۰» که در ناتو «میتن» نامیده می‌شود در پایگاه هشتم شکاری نیروی هوایی ایران در اصفهان مشاهده شد.

بر اســـاس این گـــزارش، ایران و روســـیه با هدف مقابله با تحریم‌های شـــدید غرب، همکاری‌هـــای خود را در زمینه‌هـــای مهـــم از جمله انرژی، تجـــارت و نظامـــی افزایـــش داده‌اند. خرید این هواپیمـــای جدید منطقی اســـت، زیرا مســـیر را برای به‌دســـت آوردن ســـخت‌افزارهای پیشـــرفته‌تر جهت نوســـازی نیـــروی هوایی ایران هموار می‌کند.

یاک -۱۳۰ می‌تواند برای آموزش خلبانان ایرانی برای پرواز جنگنده‌های نسل چهارم مورد استفاده قرار گیرد. این هواپیما می‌تواند وظایف حملات سبک و شناسایی را انجام داده و محموله‌ای به وزن ۳۰۰۰ کیلوگرم شامل سلاح‌های هدایت شـــونده، غیرهدایت شونده و غلاف‌هـــای الکترونیکی را حمل کند. یاک-۱۳۰ شـــباهت قابل توجهی به «ام-۳۴۶ مســـتر» ساخت ایتالیا دارد که توسط شـــرکت «لئوناردو» تولید شده است.

بـــه گـــزارش فـــارس، وبـــگاه صهیونیســـتی «اسرائیل دیفنس» نیز نوشت؛ روزهای اخیر ایام پرکار برای توانمندی‌هـــای دفاعی ایـــران بود که اکنـــون با قابلیت‌هـــای جدید تقویت شده است. ایران در روزهای گذشته از ساخت ماهواره بومی «طلوع» و سپس دستیابی به چندین جت آموزشی رزمی یاک-۱۳۰ روسی خبر داد. این جت‌ها جنبه دیگری از همکاری نظامی رو به رشد بین ایران و روسیه است.

خبر ویژه

ما سانسور می‌کنیم شما هم نگویید
رئیسی کدام چاله‌های بزرگ را پر کرد

روزنامه هم‌میهن تحلیلی منتشـــر کرده با عنوان «مقایســـه کارنامه دو سال اول دولت رئیسی و دو سال اول دولت روحانی»؛ و حال آن که منطقا باید بررسی می‌کرد دولت روحانی کدام وضعیت و شـــاخص‌های اقتصادی منفی شده را تحویل دولت داد و دولت رئیســـی پس از دو ســـال دســـت و پنجه کردن با آن میراث، اکنون در کدام موقعیت ایستاده است.

این شکل از مغالطه که تکرار آن در روزنامه‌های وابسته به‌اشرافیت غربگرا حاکی از ماموریت واحد است، به نحوی است که انگار روحانی در سال دوم، دولت را تحویل رئیسی داده و هشت سال رئیس‌دولت نبوده است!

روزنامه متعلق به دبیرکل ســـابق حزب کارگزاران نوشت: «خرداد ۱۴۰۰ به مردم وعده‌های زیادی داده شده بود تا پای صندوق رای بیایند. برای حضور هر چه پرشورتر مردم گفته شـــد قرار اســـت جلوی گرانی‌ها گرفته شود. وعده داده شد به فوریت تورم نصف می‌شـــود و پس از آن تورم را تک‌رقمی می‌کنیم. به مردم گفته شـــد سالی یک میلیون مسکن می‌سازیم تا آسان‌تر خانه‌دار شوید. نهضت ملی مسکن راه می‌اندازیم تا با زمین ارزان، خانه ارزان تحویل دهیم. وعده داده شد که سالی یک میلیون اشتغال جدید می‌آفرینیم. اینترنت رایگان به محرومان می‌دهیم، هزینه درمان را نصف می‌کنیم و...

خرداد ۱۴۰۰ به مردم نگفتند برای توجیه عملکرد ضعیف، خودمان را با دولت قبل مقایسه می‌کنیم. نگفتند تمام اینها که وعده دادیم در حد حرف می‌ماند. اتفاقا تاکید کردند که ما نمی‌توانیم، مگر می‌شود؟ کو بودجه؟ کو اعتبارات؟ نیستیم. ما اصحاب «ما می‌توانیم» هستیم. آنها گفتند قبلی‌ها نتوانستند اما ما می‌توانیم.

حالا دو سال گذشته است. مردم انتظار دیدن تحقق وعده‌ها را دارند اما آمارهای دولت وضعیت خوبی را نشان نمی‌دهد. دولت برای آن‌که نشان دهد چندان ضعیف عمل نکرده خود را با دولت قبل مقایسه می‌کند! اما یک مقایسه ناقص و اشتباه. مقایسه‌ای که ارائه می‌شـــود از خوب‌ترین بخش عملکرد دولت سیزدهم برداشته شده و در کنار بدترین بخش عملکرد دولت دوازدهم گذاشـــته شده، بدون آن‌که منطق زمانی رعایت شـــده باشد. آمارها گزینشـــی انتخاب می‌شود و به سال آخر دولت روحانی که شرایط بدتر از هفت سال قبل از آن شده بود استناد می‌شود.

با وجود آن‌که حسن روحانی وعده نصف شدن تورم را نداده بود اما در دو سال اول توانست تورم را از نصف هم کمتر کند. نرخ تورم سالانه در زمان استقرار دولت روحانی ۳۹ درصد بود اما دولت یازدهم توانست این عدد را در تیر ۱۳۹۴ به ۱۵/۶ درصد برساند. یعنی نرخ تورم ۲۳/۴ واحد درصد در طول دو ســـال کم شـــد. ابراهیم رئیسی در زمان استقرار، تورم را ۴۳/۲ درصد تحویل گرفت اما در تیر ۱۴۰۲ آن را به ۴۷/۵ درصد رساند.

در مورد رشـــد اقتصاد هم قیاس‌های نادرستی از سوی دولت سیزدهم ارائه شده. آمارها نشـــان می‌دهد که عملکرد دو ســـال اول دولت روحانی بهتر از عملکرد رئیسی بـــوده. تولید ناخالص داخلی در ســـال ۱۳۹۱ معادل ۷/۷- درصد بود که پس از هفت ماه فعالیت دولت یازدهم در پایان ســـال ۱۳۹۲ به ۰/۳- درصد رســـید. به این ترتیب مابه‌التفاوت نرخ رشـــد اولین سال فعالیت دولت یازدهم ۷/۴درصد بوده است. رشد در سال ۱۳۹۳ نیز ۳/۲درصد ثبت شده و مابه‌التفاوت نسبت به رشد سال قبل آن معادل ۳/۵درصد اســـت. مجموعا دولت یازدهم از استقرار تا انتهای اولین سال خود ۶ درصد رشد اقتصادی ثبت کرده است.

شاخص مهم دیگر یعنی بدهی دولت به بانک‌ها نیز نشان می‌دهد شتاب رشد بدهی بخش دولتی به نظام بانکی برخلاف شعارهای مراجع خبری رسمی و مقامات دولتی، نشانگر افزایش اتکای دولت سیزدهم به منابع بانکی از طرق غیرمستقیم در مقایسه با سال اول فعالیت کامل دولت یازدهم است.

مقایسه عملکرد دو دولت در بخش بورس نشان می‌دهد ارزش دلاری بازار بورس در دو سال اول دولت روحانی معادل ۳ درصد کاهش داشت اما ارزش دلاری بورس در دو سال اول دولت رئیسی با ۶۳ درصد کاهش مواجه شده است».

درباره این شبه گزارش گفتنی است: ۱)افراطیون غربگرا مقارن انتخابات سال ۱۴۰۰ نگفته بودند که غیر از میراث پرخسارت دولت روحانی، قرار است در خیانت اپوزیسیون برای آشـــوب افکنی پنج ماهه در کشور به نیابت از آمریکا و اسرائیل و انگلیس همراه شوند و ضربه دیگری به روند رشد اقتصاد کشور بزنند. بخشی از جهش دوباره تورم از مهر پارســـال به بعد تا اسفند ماه، محصول این وطن فروشی و خیانت بزرگ است که اتفاقا از ســـوی متهمان آن بازگو نمی‌شود بلکه همان متهمان نتیجه خیانت خود در سفره مردم و اقتصاد کشور را هم به دولت رئیسی نسبت می‌دهند!

۲) آقای روحانی دولت را نه با تورم تک‌رقمی بلکه ۶۰ درصدی تحویل داد و منطبق با شتاب نقدینگی و تورم در ماه‌های پایانی همان دولت، دور از ذهن نبود که حتی این رقم تا پایان سال ۱۴۰۰ سه رقمی‌شود. دولت رئیسی شتاب این جهش را گرفت، هر چند که تورم همچنان برای مردم آزاردهنده است.

۳) کاهش موقت تورم در دو ســـال اول، به واســـطه بار روانی برجام، دقیقا نقش مخدری را داشت که غربگرایان با مهندسی غرب به اجرا گذاشتند تا سیاست آلوده‌سازی روانی عوام و خواص برای تسلیم شدن‌های بعدی را پیش ببرند. به همین دلیل هم بود که با عهدشکنی آمریکا، التهاب و بی‌ثباتی بی‌سابقه به جان اقتصاد شرطی شده افتاد. امروز در مقایسه با سال‌های پایانی، التهاب‌ها فروکش کرده و کشور تدریجا توانسته در بخش درآمدی، صادرات نفت را به نزدیکی‌های دوره اجرای برجام برساند و آثار مسموم شرطی شدگی (اعتیادزدگی) اقتصاد را تا حدود زیادی از پیکر اقتصاد بیرون کند.

۴) امروز در حالی رشد اقتصادی کشور به بالای ۴ درصد رسیده که متوسط این نرخ در هشت سال دولت روحانی به نزدیک صفر درصد سقوط کرد.

۵) بورس در دوره روحانی و بر اســـاس بی‌صداقتی وعده‌های فریبنده آن دولت تا مرز نابودی رفت و اکنون با وجود نوســـانات گاه و بی‌گاه، ثبات نسبی پیدا کرده است. بدتریـــن و پایین‌تریـــن دوره رکود در بورس به نام دولت روحانی اســـت حتی اگر هم میهن جابه‌جا روایت کند.

۶) در حالی که دولت روحانی به نساختن مسکن افتخار می‌کرد، غیر از صدها هزار واحد مسکونی ساخته شده در دوره اخیر، ۱/۵ میلیون واحد هم در حال احداث است.

۷) روزنامه هم‌میهن تعمد دارد واقعیت‌هایی از این دست را درباره کارنامه دولت روحانی بازگو نکند: «۶ برابر شـــدن نقدینگی که از عوامل اصلی تورم است، شکستن رکورد تورم در تاریخ چندده‌ساله کشور، افزایش ضریب جینی (شکاف طبقاتی) از رقم کاهشـــی شده ۳۶۵ در ســـال ۹۲ به رقم ۴۰۹ در سال ۹۷، نابودی ۱۸ میلیارد دلار و ۶۰ تن طلا از ذخایر استراتژیک، واگذاری پرفساد نیشکر هفت‌تپه، ماشین‌سازی تبریز، هپکو اراک، آلومینیوم المهدی و پالایشگاه کرمانشاه، تعطیلی یا نیمه تعطیل شدن پنج هزار واحد تولیدی، ناترازی سنگین در تامین گاز و برق و آب، ناترازی سنگین بودجه‌ای در حد کسری ۴۸۰ هزار میلیارد تومانی، منفی بودن خزانه، انتشار ۲۰۰ هزار میلیارد تومان پول بی‌پشتوانه و انفجار نقدینگی، بدهی انباشته ۱۵۰۰ هزار میلیارد تومانی، و سررسید اوراق فروخته‌شده به میزان ۵۳۲ هزار میلیارد تومان».

و ایضا این واقعیت‌های مثبت درباره دو ســـال عملکرد دولت رئیســـی را: جبران کســـری ۴۸۰ هزار میلیاردی، تســـویه ۲۷۰ هـــزار میلیارد تومان بدهی ســـود اوراق، تســـویه ۱۰۰ هزار میلیـــارد تومان بدهی بـــه صندوق‌های بازنشســـتگی، اخت